

میدون و سوفیا

سوراخ سد مشکلات ناپدید شد



یوریا عالمی

● عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست، بعد از چند ماه به سخن درآمد و در گوش ما گفت: «فعالان محیط‌زیستی بازداشت‌شده باید آزاد شوند».

سوفیا می‌گوید: مرسی عیسی‌جان. خیلی سریع همه چیز را جمع کردی.

می‌گویم: خداراشکر مسئولان ما پطروس فداکار نیستند که با یک انگشت جلوی سوراخ سد ایستاده باشند، چون حتما وقتی سد بشکند و آب همه را ببرد، اینها اعلام می‌کنند ما آماده‌ایم انگشتمان را در سوراخ سد فرو کنیم، اما مسئله اینجاست که سوراخ سد ناپدید شده است.

عیسی کلانتری می‌گوید: «وزارت اطلاعات هم به این نتیجه رسیده که هیچ مدرکی دال بر جاسوسی کسانی که بازداشت شده‌اند وجود ندارد. قاعدا آنها باید به‌زودی آزاد شوند».

عیسی کلانتری همچنین می‌گوید: با شما هستم میدون دوم و سوفیا... گوش کنید «دولت یک گروه چهارنفره از وزرا را برای پیگیری بازداشتی‌های محیط زیست مأمور کرده، به نظر من تا‌به‌حال متأسفانه اینها بدون اینکه کاری بکنند بازداشت بوده‌اند. این دوستان هم به این نتیجه رسیده‌اند».

سوفیا می‌گوید: پس مسئله چیست عیسی‌جان؟ می‌گویم: مسئله اینجاست که خود وزرا مشکوک هستند! حالا شما چهارتا آدم مشکوک را می‌گذاری

که ما را از شک دریاورند؟

عیسی کلانتری می‌زند زیر گریه و می‌گوید واقعا از دست ما خارج است. سوفیا هم گریه می‌کند. من هم گریه می‌کنم. عیسی کلانتری می‌گوید از فعالان محیط زیست که گذشت... سر گریه‌تان را بگیرید این‌ور حداقل سدها پر شود و بحران آب را پشت‌سر بگذاریم.

پیشنهاد

نفت، رانت، نفربین و هژمونی آمریکا



● «نفرین نفت» که

گاه‌وبیگاه عده‌ای از آن

سخن به میان آورده‌اند،

چیزی نیست که فقط

دامن اقتصاد کشورهای

نفت‌خیز را بگیرد.

دولت‌های غیروابسته به

اقتصاد و معیشت مردم

و فروشنده منابع طبیعی و ارتزاق‌کننده از اموال خدادادی مردم را پدید آورد و سیاست، اقتصاد، جامعه، فرهنگ و امور عادی زندگی مردمان را مختل کرد. این نفرین اکنون گریبان تمام دنیا و مخصوصا کشورهای پیشرفته متکی به نفت به‌مثابه مهم‌ترین منبع انرژی را گرفته است. کتاب «نفت و هژمونیسم آمریکا» نوشته محسن مسرت با عنوان فرعی «انتقال سیستم انرژی فسیلی به انرژی تجدیدپذیر» که نشر نی در سال ۱۳۹۷ به بازار فرستاده،

نگاهی به همین مسئله دارد. این کتاب در دو بخش و ۱۱ فصل به گفته مؤلف آن که دانش‌آموخته اقتصاد سیاسی و دارای مدرک فوق‌دکتری ارشته اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه اوزبایوک آلمان است، بر اساس مطالعات او در مورد «سازوکارهای ورود استعمارگرانه و امپریالیستی و بنابراین وابسته‌کردن انگل‌وار اقتصاد و جوامع این کشورها» و همچنین ناگاهی انتقادی به قانون ارزش ریکاردو و مارکس و در تکمیل نظریه رانت و تئوری قیمت‌یابی منابع طبیعی نوشته شده است. بخش اول کتاب یا «مبانی نظری و تاریخی» در هشت فصل از جمله به «معمای قیمت نفت»، «نفت و امپریالیسم لارمجویی»، «دورنمای انرژی، نظام جدید جهانی در قرن ۲۱ و انتقال سیستم انرژی» و «جراحی بزرگ غرب برای خروج از الگوی نفت» پرداخته و بخش دوم با عنوان «الگوی مصرف انرژی بدون یارانه بهینه‌سازی» را زیر ذره‌بین برده است. نویسنده درباره اقتصاد وابسته به نفت توضیح داده: «اگر در ایالات متحده نفت در خدمت صنایع قرار گرفت، در ایران و خاورمیانه تولید نفت و ایجاد صنایع نفتی پیش‌شرط تمام چیزهای دیگر شد. از تغییرات ساختاری در بودجه دولت گرفته تا ایجاد مؤسسات خدماتی، سرمایه‌گذاری‌های دولتی در

ایجاد بندر و سایر بخش‌های عمومی، گذر از جامعه کشاورزی و دهقانی، فرار جمعیت از مناطق روستایی، تشکیل شهرها، ساختار قدرت رژیم سلطنتی، ساختار اجتماعی، چگونگی انتقال از جامعه دهقانی به جامعه شهری و بالاخره الگوی صنعتی و مصرف انرژی، همه چیز و همه‌گونه تغییرات از اواخر قرن سیزدهم هجری تاکنون تحت‌تأثیر شدید بهره‌برداری و صادرات نفت قرار گرفته است». در نهایت، نویسنده پیشنهادهایی ارائه داده است تا «دورنمای امیدوارکننده تغییر سیستم عقب‌مانده به سیستم آینده‌ساز و پایدار انرژی و حتی تحول اقتصادی در ایران نمایان شود». این کتاب را نشر نی در تیراز ۵۰۰ نسخه، در ۴۰۴ صفحه و به قیمت ۳۸ هزار تومان عرضه کرده است.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۷ • ۷ رمضان ۱۴۳۹ • ۲۳ می ۲۰۱۸ • سال یازدهم • شماره ۳۱۵۵ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۹ • اذان صبح فردا ۴:۱۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنارضا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



تجربه دیگران

نسیم امید در تعاونی‌های پناهجویان

ترجمه: ساسان گلفر

پس از اینکه مراکش به پناهجویان اجازه برپاکردن تعاونی‌هایی را داد، گروهی از یمنی‌های پناهنده، کودکستانی را برای کودکان پناهنده و محلی افتتاح کردند. این مکان ساختمان سه‌طبقه‌ای است با نمایی به رنگ روشن در کنیتر، از ۴۰ کیلومتری شمال رباط، پایتخت مراکش که در میان همسایگانش با خانه‌هایی رنگارنگ متمایز است.این خانه اولین تعاونی پناهندگان در این کشور است؛ کودکستانی که «امید» نام دارد و گروهی از پناهندگان جنگ سه‌ساله یمین آن را اداره می‌کنند.داخل ساختمان کودکان مراکشی و یمنی در اتاق‌های تزئین‌شده با تصاویر شخصیت‌های کارتونیی و نشانه‌هایی به شکل برگ که معرف ماه‌های سال به زبان‌های عربی و فرانسوی هستند، بازی می‌کنند. در زمان‌هایی‌که والدین برای گرفتن بچه‌ها به مهدکودک می‌آیند، خانواده‌های پناهنده و محلی‌ها با کارکنان یمنی و مراکشی در مهدکودک گپ می‌زنند. یک دختر ۱۶ساله مراکشی که برای گرفتن خواهرش به مهدکودک مراجعه کرده است، می‌گوید: «پدر و مادر من تصمیم گرفتند خواهر کوچولویم را در این مهدکودک ثبت‌نام کنند؛ چون تعاونی یمنی زبان عربی کلاسیک را از سن پایین به بچه‌ها یاد می‌دهد. در مهدکودک‌های مراکش، عموما به زبان داربا صحبت می‌کنند که لهجه محلی ماست». نزدیک به هفت هزار پناهنده و پناهجو از بیش از ۵۰ کشور در مراکش به سر می‌برند. بیش از سه هزار نفر از آنها سوری هستند که بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند و بعد از آن حدود ۵۳۰ تن هستند که از بزرگ‌ترین بحران انسانی در جهان در آغوش پناه گرفته‌اند.کشور مراکش برای بسیاری از پناهجویان صرفا مکانی برای عبور به کشورهای دیگر بوده است، اما در سال‌های اخیر، خود به مقصدی برای پناهندگان از کشورهای جنوب صحرای آفریقا و خاورمیانه بدل شده است.دولت مراکش با توجه به دستورالعمل پادشاه این کشور که به سپتامبر ۲۰۱۳ صادر شده است، سیاست جدید مهاجرت و پناهندگی را تصویب کرد. قوانین حمایتی جدیدی برای پناهندگان در مراکش، دسترسی به آموزش عمومی، خدمات بهداشتی و بازار کار را فراهم آورد. در سال ۲۰۱۶ این کشور تغییرات بیشتری در قوانین پدید آورد که به پناهندگان امکان می‌داد تا تعاونی‌های خود را تأسیس کنند تا به پناهندگان برای دستیابی به امکانات معیشت پایدار کمک شود.ولید کوراک، مدیر برنامه انجمن حمایت از توسعه شرکت‌های کوچک مراکش (Amappe) می‌گوید: «تعاونی‌ها برای پناهندگان مفید هستند. قانون جدید، معافیت‌های مالیاتی فراهم می‌آورد که در مقایسه با دیگر انواع

یکی از نگرانی‌های موجود در جوامع مختلف، بالا رفتن آمار پرورنده‌های قضائی است که بالا رفتن آمار ورودی زندان پیامد آن خواهد بود. این امر فقط به جامعه ما محدود نمی‌شود و در هر جامعه‌ای که این رویکرد حاکم باشد، شاهد افزایش پرورنده‌های قضائی و افزایش آمار زندانیان خواهیم بود. ما هم بر اساس آمارهایی که در کشور وجود دارد، نگرانی درباره افزایش پرورنده‌های قضائی و به‌تبع آن افزایش آمار زندانیان را بیش از پیش احساس می‌کنیم؛ به‌گونه‌ای که قوه قضائیه بخشنامه کاهش جمعیت کیفری و کاهش آمار زندانیان را صادر می‌کند یا در قانون برنامه ششم، قوه قضائیه موظف به بازنگری در عناوین مجرمانه شده و اینکه جرائم سبک را به «تخلف» تغییر دهد. در ایران بر اساس آمارهای مختلف حدود هزارو ۳۰۰ تا دوهزار عنوان مجرمانه داریم و حتی یکی از مسئولان قضائی از دوهزارو ۵۰۰ عنوان مجرمانه سخن به میان آورده است. طبیعتا با افزایش تعداد عناوین مجرمانه و بیشترشدن مصداق‌ها، تعداد افرادی که مشمول مجازات می‌شوند، افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که گفته می‌شود در بعضی از کشورها تعداد

آیامی‌دانستید؟

۱۲۳ را فراموش نکنید

هلیاآبادی: اگر تازه وارد اینستادگرم باشی باز هم چند کاربر را بیش از همه به شما معرفی می‌کند؛ ترانه علیدوستی، مهناز افشار، اشکان خطیبی و... و نکته مشترک اینها یک نکته است؛ فعالیت‌های اجتماعی آنان. مهناز افشار مدام درباره کمپینی که از دو سال پیش درباره کودکان بدسرپرست آغاز کرده و با آنها همراهی می‌کند می‌نویسد. در این میان اشکان خطیبی از منظر دیگری اطلاع‌رسانی کرده است؛ اورژانس اجتماعی، همان شماره ۱۲۳، آن هم برای کودکان، آن هم در این روزگار که مدام قتل و شکنجه‌شدن کودکان مطرح است تا اگر حرفی یا اگر نکته‌ای با هراسی یا ترسی دارند، می‌توانند با این شماره تماس بگیرند و شاید کمکی به آنها شود. هرچند اپراتورهای آن سریع گوشی را برنمی‌دارند، اما در شهرهای بزرگ ۲۴ ساعته خبری شایین مشکلات حاضر است، تعدادشان هم کم است، ۱۷۸ مرکز پایگاه خدمات اجتماعی و ۲۹۸ خودروی خدمات سیار.قرار از منزل، کودک‌آزاری و همسزارآزی بیشترین تعداد گزارش به این شماره را داشته است. این طرح قرار بوده از سال ۸۱ اجرائی شود، اما در این چند سال اخیر ممکن شده است. با تمام مسائلی که بر سر این طرح و امکانات و مشکلات آن وجود دارد، به‌تدریج استقبال از این طرح رو به افزایش است و هر چقدر هم دانش اجتماعی کودکان و زنان بیشتر شود، آگاهانه‌تر می‌توانند جلوی بسیاری از اتفاقات را بگیرند. در این مدت هم بیشتر زنان درباره همسزارآزی تماس گرفتند، البته مشکلات و تعارضات خانوادگی بیشترین عامل تماس با اورژانس اجتماعی است. حالا دیگر بسیاری می‌دانند که وقتی با شماره ۱۲۳ تماس بگیرند، با توجه به نوع موضوع و شدت آن به اشکال مختلف در موضوع به آنها در سه سطح کمک می‌شود. حالا اینکه دست‌اندرکاران این اورژانس خودشان چگونه بتوانند از طریق کلانتری‌ها یا قوه قضائیه وارد عمل شوند خود به ابتکار و نظر آنها بستگی دارد. در مواقع بحران خانواده، زوجین در معرض طلاق، کودک‌آزاری، خشونت خانگی و افرادی که تمایل به خودکشی دارند یا خودکشی نافرجام داشته‌اند یا خانواده‌هایی که فردی از خانواده را به دلیل خودکشی از دست داده‌اند، زنان در معرض آسیب، دختران و پسران فراری و امثال آن هم اقداماتی از طریق مراجعه مستقیم به این مراکز انجام می‌شود. به‌رحال هدف از این برنامه تلاشی است برای مداخلات روانی و اجتماعی قبل از مداخلات قضائی و انتظامی و شناسایی آسیب‌های اجتماعی در حال شیوع به صورت کشوری و منطقه‌ای تا از آسیب‌های جدید در آینده جلوگیری شود. یک نکته مهم؛ یعنی افزایش تعداد معتمدان را نباید فراموش کرد، ولی آنها خط ویژه ۹۶۲۸- دارند. مردم و همسایه‌ها هم می‌توانند کمک کنند تا خشونت علیه همسر و کودک اطلاع داده شود، ولی نه وقتی فحاشی و آزار عاطفی رخ می‌دهد. اگر مذاکراتی که با زن و شوهر انجام می‌شود به آنان کمکی نکرد، از طریق مشاور حقوقی به آنان خدمات ارائه می‌شود یا اینکه به مراکز مشاوره خارج از مرکز اورژانس اجتماعی معرفی می‌شوند. به‌رحال کارکردن روی مشکلات نیاز به زمانی طولانی دارد. اورژانس اجتماعی فُسنِک یا پانسمان سریع برای یک زخم بزرگ است. این سؤال مطرح است؛ آیا واقعا این امکانات زنان را پررو می‌کند؟ متأسفانه مردم عادی این اعتقاد را دارند، چراکه به‌سادگی باور ندارند زنان و مردان حقوقی برابر و انسانی دارند.

سلام به فردا

فرهنگ‌سازی برای مجازات جایگزین حبس

عناوین مجرمانه در ۶۰ یا ۷۰ محور بیشتر نمی‌گنجد. در قانون برنامه ششم کاهش این عناوین پیش‌بینی شده است. در کنار این موارد، با توجه به اینکه بعد از ورود افراد به زندان، پذیرش اجتماعی نسبت به این افراد سخت‌تر خواهد بود و برچسب‌های اجتماعی مانند فرزند زندانی یا همسر زندانی به خانواده آنها می‌خورد یا برای خود آن فرد در هر کاری که بخواهد انجام دهد، سوءسابقه مطرح می‌شود، موضوع استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در تمام دنیا مطرح است، چون فردی به زندان می‌رود و خانواده او گرفتار می‌شوند و ممکن است ورود به زندان فردی به علت تصادف، مبلغی ناچیز یا جرمی سبک تبعات دیگری برای سایر اعضای خانواده داشته باشد. به همین دلیل در سیستم‌های قضائی مختلف رویکردهای مجازات جایگزین حبس در نظر گرفته می‌شود و در شرایطی که از امکان تعیین مجازات جایگزین وجود دارد، قضات می‌توانند این مجازات‌ها را در نظر بگیرند. در بعضی از فصول قانون مجازات اسلامی جدید نیز به این نکته اشاره شده و به قضات اختیار داده شده است که از این ظرفیت استفاده کنند، ولی ما از ظرفیت مجازات جایگزین حبس خیلی استفاده نکرده‌ایم و این در سیستم قضائی ما تبدیل به یک فرهنگ نشده است. ما اعتقاد داریم که استفاده از مجازات جایگزین حبس، زمینه بازتوانی اجتماعی و بازگشت افراد را به خانواده و جامعه فراهم می‌کند

آکادمی

مغز «شایگان» و تجربه مرگ

داریوش شایگان سفر مرگ را آغاز کرد. سفری که گرچه در اسطوره‌ها بسیار برطمطراق است، اما هیچ انسان فانی‌ای این راه شگفت را بازنگشته تا به ما از تجربیات خود بگوید. برای من اما با وجود تمام نظرهای متضاد، مرگ همواره یک تجربه بوده است. تجربه‌ای که به‌عنوان یک پزشک بارها شاهد آن بودم و خودم نیز دیر یا زود باید آن را تجربه کنم، ما همه راهی راهی هستیم که جمشید این اولین انسان فانی برای ما گشود. وضعیت داریوش شایگان را لحظه به لحظه دنبال می‌کردم. شاهد تلاش همکارانی بودم که هر یک با استادی تمام سعی در حفظ سلامتی او داشتند. اما آنچه در مغز شایگان اتفاق می‌افتاد، من را به فکر فرومی‌برد. چه شده است؟ یک لخته تا کجا می‌تواند انسان را پیش ببرد و تجربه‌های او را دیگرگونه معنا کند؟ بگذاریم قبل از آنکه در مورد این لخته و تخیلاتم در مورد آن بنویسم، ببینیم تا پیش از این در مغز شایگان چه می‌گذشته است؟ در آثار شایگان اندک چیزی می‌توان در مورد مغز یافت. در واقع گرچه او بسیار نوشت، اما در مورد خیلی چیزها که از سر اتفاق دنیای ما از این پس درگیر آنها خواهد بود، چیزی نگفت. مغز، هوش مصنوعی، ژنتیک، اینترنت، فضای مجازی و... همه چیزهایی بودند که او خواست تا نتوانست با آنها درگیر شود. گاه فکر می‌کنم شایگان تا لبه دنیای جدید آمد و ایستاد. حیف که جلوتر نرفت. بنابراین باید به اشاراتی پرکننده در باب مغز در آثار او قناعت کرد. شایگان در خطابه خود هنگام دریافت جایزه جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها گفت: «ما باید تا حد ممکن از تمامی انواع تقلیل‌گرایی بپرهیزیم، ما باید به اشکال جدید نگریستن به جهان متوسل شویم، شاید ما بتوانیم از این راه به نگاه ترکیبی به جهان نائل آییم، نگاهی که می‌تواند به تمام سطوح آگاهی اشراف پیدا کند». واژه آگاهی که در این جمله آمده مرتبط‌ترین موضوع به مغز است. آگاهی از منظر علوم اعصاب معرف حالت‌های ذهنی ماست. اینکه آگاهی محصول چیست و انسان چگونه با آگاهی می‌رسد، یکی از مهم‌ترین سوالات انسان کنونی تلقی می‌شود. بر پایه یکی از هوشمندانه‌ترین توضیحات در باب چگونگی ایجاد آگاهی، ارائه‌شده توسط «جرالد ادمن» برنده جایزه نوبل پزشکی ۱۹۷۲، آگاهی حاصل فعالیت یک منطقه خاص از مغز یا نوع خاصی از نورون‌ها نیست بلکه حاصل یک ارتباط دینامیک و سیال بین گستره وسیعی از نورون‌هاست. این گستره خود محصول انتخاب طبیعی است.

شایگان در کتاب «افسون‌زدگی جدید» به لایه‌های آگاهی اشاره دارد. او در این کتاب جهان رنگارنگی را توصیف می‌کند که لایه‌های مختلف آگاهی، الزامات جدیدی را برای آن به وجود آورده است. جهان مشتمل بر فرهنگ‌های مرزی و التقاطی، مجازی‌سازی‌های مختلف و ساحت‌های برطمطراقی چون قاره روح؛ «ویرانی دستاوردهای عصر روشنگری و تضعیف فرآیندهای جهان‌بینی‌های مسلط نیز به نوبه خود سبب شده است که همه سطوح پس‌رفته آگاهی دوباره سر برآورند، به‌طوری‌که توالی تاریخی جهان‌بینی‌ها جای خود را به هم‌زمانی همه سطوح آگاهی داده است؛ از آگاهی نوسنگی تا آگاهی عصر اطلاعات...». این جهان جدید را شایگان با وام‌گیری از دلدوس جهان «ریزوموار» می‌نامد. «ریزوم می‌تواند سبب ارتباط نظام‌های بسیار متفاوت و حتی نامتجانس شود. ریزوم متشکل از واحدهای مختلف نیست بلکه از تجمع جهت‌های گوناگون تشکیل شده؛ آغازی دارد و نه پایانی؛ همیشه در بین راه است. ماهیت آن بی‌وقفه تغییر می‌یابد، بنابراین عامل دگردیسی دائمی است» و حال اگر این شبکه ریزوموار را با آنچه در باب آگاهی گفته شد مقایسه کنیم، درمی‌یابید که شباهت بسیار زیادی بین جهان کنونی که حاصل تمام تجربیات بشری است با فعالیت مغز دیده می‌شود و جالب اینجاست که شایگان نیز به این تشابه توجه می‌کند؛ «فعالیت ریزوم به فعالیت مغز شباهت بسیار دارد و همانند آن یک نظام غیرقطعی است، مگر نه اینکه مغز نیز بی‌وقفه تغییر می‌یابد؟ هر تفکر تازه ششیاری در مغز به وجود می‌آورد، آن را درهم می‌پسچاند، چین می‌دهد، در آن شکاف ایجاد می‌کند، در نتیجه چنین تغییری تارهای عصبی و سیناپس‌های جدید ظاهر می‌شوند و این امر ایجاد مفاهیم تازه را ممکن می‌کند».

این تشابه بین جهان چهل‌تکه و فیزیولوژی مغز نشان می‌دهد که استفاده از عنوان آگاهی نمی‌تواند صرفا ناشی از یک تشابه اسمی باشد و نباید بیشتر ناشی از حضور بلاهنازع مغز و واقعیت‌های آن در ساخت چنین جهانی است. اما نباید زود نتیجه‌گیری کرد. هنوز دواز ژرف بین نحوه شکل‌گیری آگاهی از کنش‌های مغزی تا ایجاد فرهنگ‌های مختلف و تعاملات عمیق بین انسان‌ها باقی است. شاید اگر شایگان بر آستانه این جهان رو به رشد نمی‌ایستاد و وارد آن می‌شد، می‌توانست با دانش طبیعی که از سنت‌ها و فرهنگ‌ها و به‌قول خودش لایه‌های آگاهی داشت، تعابیر و تفسیرهای بسیار جالبی را از آنچه در جهان در حال رخ‌دادن است، ارائه دهد. اما متأسفانه این نشد و سرآخر نیز لخته خونی همه اینها را به بازی گرفت. عروقی که قبلا متصلب شده بود، ناگهان مسدود شد. دیگر خون‌رسانی اتفاق نیفتاد و داریوش شایگان پشت میز کارش سکنه کرد. یک لحظه چشم‌هایتان را ببندید و به ریزوم‌های دلوزی فکر کنید. لخته خونی آن حرکت مدام را از بین برد و مغز باز ایستاد. اما انسان چطور؟ شایگان چطور؟ اینجاست که آن تجربه مرگ آغاز می‌شود.

شاید ندیده باشید



از اولین‌باری که با هزل زاکارا، زن ساکن اوکلند نیوزیلند گفت‌وگو شده است، بیش از یک سال می‌گذرد. او را به خاطر کشیدن نقاشی‌های منحصربه‌فرد روی اسموتی می‌شناسند؛ کسی که از این شیوه برای استراحت‌دادن به ذهنش استفاده می‌کند و با خلق

صحنه‌هایی از فیلم‌ها، شخصیت‌ها و تابلوهای هنری مشهور روی غذاها خود را به چالش می‌کشد. او از برخی نشانه‌ها مانند پروانه و گل و مواد غذایی طبیعی استفاده می‌کند تا غذاها را تزئین کند. در این مدت هر ویدئویی از او بیش از ۲۰ هزار بار دیده می‌شود. او برای هر ظرف بیش از یک تا شش ساعت وقت می‌گذارد.